

روند شکل‌گیری مناسبات تجاری ایلخانان با تجار جنوایی و ونیزی

ولی دین‌پرست^۱

چکیده

مغولان به تجارت و فواید حاصل از آن اهمیت می‌دادند و ایلخانان پس از تشکیل حکومت در ایران، همانند خان‌های مغول در دشت قپچاق، به گسترش مناسبات تجاری با دولت‌شهرهای ونیز و جنوا علاقه‌مند شدند؛ به ویژه که دشمنان آنها، ممالیک مصر و حاکمان مغول در اولوس زرین مناسبات گسترده تجاری با ونیز و جنوا داشتند. با کوشش ایلخانان و رغبت تجار ونیزی و جنوایی برای تجارت با ایران و مشکلات تجار ایتالیایی در مصر، اندک اندک پای تجار دولت‌شهرهای ایتالیایی به ایران باز شد. تجار ایتالیایی با گسترش مناسبات تجاری با ایلخانان از طریق حوزه دریای خزر و دریای سیاه یا از طریق جاده ابریشم منتهی به آناتولی و دریای مدیترانه کالاهای شرقی را به اروپا منتقل می‌کردند. در این مقاله روند شکل‌گیری مناسبات تجاری بین ایلخانان با تجار ونیزی و جنوایی، کوشش دو طرف در ایجاد این مناسبات و حوزه‌هایی که پس از برقراری مناسبات تجاری در آنجا مبادله کالا صورت می‌گرفت، به روش تحلیلی و توصیفی بررسی خواهد شد.

واژگان کلیدی

ایران، ایلخانان، تجار ونیزی و جنوایی، مناسبات تجاری

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۹/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۷/۱۸

^۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تبریز vali_dinparast@yahoo.com

مقدمه

هر چند با حمله مغولان به ایران، ضربات جبران ناپذیری بر حیات اجتماعی فرهنگی و اقتصادی این سرزمین وارد شد، اما آنان خیلی زود به فکر بهره‌مندی از عواید تجارت افتادند و کوشیدند تا ارتباط تجاری شرق با غرب را از طریق جاده ابریشم گسترش دهند. تجار دولت شهرهای ایتالیا از طریق قلمرو ممالیک مصر یا از بنادر تانا و کافا در شمال دریای سیاه کالاهای شرقی مانند ابریشم، ادویه و پوست می‌خریدند و به اروپا منتقل می‌کردند و از راه مناسبات تجاری، سود سرشاری عاید دولت‌های ممالیک مصر و اولوس زرین می‌شد. ایلخانان ایران نمی‌توانستند از چنین امتیاراتی غافل بمانند و به همین سبب، از دوره هلاکو خان مغول کوشش‌هایی صورت گرفت تا ضمن برقراری مناسبات سیاسی با اروپا، مناسبات تجاری با تجار ونیزی و جنوایی نیز برقرار گردد. اما تجار ونیزی به سبب مناسبات تجاری گسترده با ممالیک مصر نمی‌خواستند به اتحادی که بین دولت‌های مسیحی اروپا با ایلخانان ضد ممالیک مصر وجود داشت، وارد شوند تا اینکه با تشویق ایلخانان و مشکلاتی که به تدریج در مصر برای تجار ونیزی ایجاد شد و امتیازاتی که تجار جنوایی از امپراتوری بیزانس برای گسترش تجارت در آناتولی و آذربایجان به دست آوردند، سرانجام ونیزی‌ها را مصمم ساخت تا آنها نیز از رقیب خود عقب نمانند و ارتباط تجاری با ایلخانان برقرار کنند. در واقع، تشویق ایلخانان، رقابت تجار ونیزی و جنوایی برای ایجاد ارتباط با ایلخانان، امنیت و مقرون به صرفه بودن راه‌های تجاری ایران برای تجار ایتالیایی سبب شد تا زمینه لازم برای ایجاد پیوندهای تجاری بین ایلخانان با تجار ونیزی و جنوایی فراهم گردد. آنان از طریق حوزه دریای خزر و دریای سیاه یا از راه تبریز به آناتولی به مبادله کالاهای شرقی و غربی پرداختند و در سایه گسترش مناسبات تجاری بین شرق و غرب، جاده ابریشم در این دوره رونق یافت و تبریز در کانون این مناسبات تجاری قرار گرفت.

مقدمات برقراری روابط تجاری ایلخانان با تجار ونیز و جنوا

مقارن شکل‌گیری امپراتوری مغول و علاقه‌مندی خان‌های مغول به مبادلات تجاری، تجارت بین اروپا و آسیا رونق یافت. مغولان از دیرباز اهمیت خاصی برای تجارت و بازرگانی قائل بودند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۴). در عصر مغولان، بازرگانی از طریق راه‌های کاروان‌رو به چنان حدی از پیشرفت و اعتلاء رسید که مشابه آن در ادوار گذشته سابقه نداشت. ایلخانان مانند سایر مغولان به تجارت به عنوان میراث به جای مانده از سنن استپ که نقشی مهم در تأمین نیازمندی‌های اقتصادی آنها ایفاء می‌کرد، اهمیت می‌دادند. یکی از علل توجه ایلخانان به تجارت و بازرگانی، نیاز مبرم آنان به منافع ناشی از تجارت بود؛ زیرا در زمان مغولان، صدمات قابل‌توجهی به کشاورزی ایران وارد شده بود و ایلخانان برای جبران آسیب‌ها، به تجارت و منافع حاصل از آن اعتنای خاصی داشتند. از سوی دیگر، فتوحات ایلخانان در شام و درگیری‌های مداوم آنها در شرق و شمال قلمرو خود، خیلی زود سران حکومت ایلخانی را هشیار کرد که تأمین اقتصاد از طریق جنگ در بلندمدت امکان‌پذیر نیست و بهتر آن است که هزینه‌های معیشتی و حکومتی را از دسترنج رعایا تأمین کنند (رضوی، ۱۳۹۰: ۱۹۹). عامل دیگر رشد تجارت در دوره ایلخانان این بود که حکومت آنان جزئی از امپراتوری مغول محسوب می‌شد؛ در قلمرو مغولان زمینه‌های لازم برای نزدیکی روابط تجاری بین شرق و غرب وجود داشت. عامل سوم، موقعیت استراتژیک منطقه بود: موقعیت جغرافیایی ایران، همچون پل ارتباطی بین شرق و غرب محسوب بود و عبور جاده ابریشم از ایران خواه و ناخواه باعث رونق تجارت در قلمرو ایلخانان می‌شد (همان، ۲۲۷-۲۲۶).

مسئله این است که چه عواملی سبب شد در دوره ایلخانان پای تجار ونیزی و جنوایی به کانون‌های تجارت ایران از جمله تبریز و سلطانیه باز شود و سیاست ایلخانان در این زمینه چگونه بود؟ تا زمان شکل‌گیری مناسبات تجاری بین ایلخانان و دولت شهرهای ایتالیایی، بخش اعظم تجارت ایتالیایی‌ها از طریق قلمرو شاخه اردوی زرین مغولان با شرق صورت می‌گرفت. در این بخش، تجار جنوایی قبل از حمله مغولان به دشت قیچاق، در مرکز تجاری سوداق یا سولدایا در کریمه تجارتخانه‌هایی داشتند. این شبه‌جزیره که از توابع امپراتوری بیزانس بود، هر چند جبهه و سبتای، از سرداران

چنگیز در سال ۶۱۹ ق. / ۱۲۲۲ م. بدانجا هجوم آوردند و در آن، تجارتخانه‌های جنوایی غارت شد (گروسه، ۱۳۷۸: ۴۰۶)، اما خیلی زود به شرایط سابق برگشته و موقعیت تجاری آن مورد حمایت مغولان دشت قپچاق قرار گرفت. خوانین مغولی اردوی زرین در مقام واسطه‌های بازرگانی خاور آسیا با اروپا، در صدد گسترش مسیرهای تجاری چین و بخارا از طریق خوارزم و شمال دریای خزر به سمت اروپا بودند و در راستای دستیابی به چنین هدفی تجار و بازرگانان را تشویق می‌کردند تا مسیر طولانی دربار خان مغول در خانبالیغ را از طریق دنیپر و ولگا به کریمه مرکز اصلی بازرگانان ایتالیایی در سواحل دریای سیاه درنوردند (لوکاس، ۱۳۷۶: ۴۵۴/۱). قافله‌های چینی و مغولی مال‌التجاره‌های آسیای مرکزی، شرقی، ایرانی و ادویه‌جات و جواهر، اجناس و مصنوعات مختلف هندوستان را به مرکز خوارزم برده و تحت حمایت‌های خوانین اردوی زرین از طریق دشت قپچاق به مرکز کریمه در دریای سیاه و به محل استقرار سفائن رسانده، سپس تجار ونیزی و جنوایی از راه سینوپ به ساحل بیزانس و اروپا انتقال می‌دادند (شیبانی، ۱۳۴۵: ۵۳۹/۲ - ۵۳۸). مسیر دیگر تجارت بین شرق و غرب، قلمرو ممالیک مصر در سواحل شرقی و جنوبی دریای مدیترانه بود. در این زمان ونیزیان به دنبال حفظ روابط تجاری با مصریان بودند و ایلخانان بی‌نصیب از فواید تجارت شرق و غرب می‌کوشیدند تا روزنه‌ای برای ورود تجار ایتالیایی به قلمرو خود باز کنند؛ این روزنه از طریق کلیکیه و انطاکیه باز شد که بیشتر مورد توجه جنوایی‌ها بود. جنوایی‌ها روابط بسیار خوبی با دربار بیزانس داشتند و از آن طریق در حال گسترش مناسبات خویش با مراکز تجاری و فرهنگی رو به رشد آذربایجان و دیگر مناطق قلمرو ایلخانان بودند.

در همان حال، روابط اقتصادی مستحکم خویش را با اردوی زرین از طریق بنادر دریای سیاه حفظ کرده بودند (لین، ۱۳۸۸: ۸۵). ونیزیان نمی‌خواستند از راهی که جنوایی‌ها استفاده می‌کردند و تجارت دریای سیاه را هم در دست داشتند، بی‌نصیب بمانند. در این دوره، ممالیک مصر نه تنها دشمن ایلخانان بودند، بلکه دشمن حکومت‌های صلیبی و اروپاییان هم محسوب می‌شدند. در نگاه نخست شاید چنین به نظر برسد که وجود دشمن مشترک، یعنی ممالیک مصر برای ایلخانان و صلیبیون و دول اروپایی موجب اتحاد آنان با یکدیگر و در نهایت پیوندهای تجاری بین آنان شد، اما

دولت‌شهرهای تجارت‌پیشه ایتالیا بیشتر به دنبال حفظ منافع تجاری خود بودند تا منافع سیاسی صلیبیون و ایلخانان ایران. بنابراین، ونیزی‌های سودجو و فرصت‌طلب جز در مواقع خاصی که با ممالیک اختلاف پیدا می‌کردند، حاضر به هم‌سو شدن با سیاست ایلخانان ضدممالیک نبودند. از عملکرد ونیزیان می‌توان دریافت که آنان نیز نمی‌خواستند پایگاه تجاری خود را در سواحل شرق مدیترانه به خطر اندازند، زیرا با حمله مغولان به قلمرو ممالیک، تجارت ونیزیان صدمه می‌دید. پس در بررسی عنوان دشمن مشترک بین ایلخانان و صلیبیون نباید از این نکته غافل شد که در واقع صلیبیون، خواهان همکاری با مغول بودند؛ اما ونیزیان از بیم اینکه تجارت‌شان با مصر به خطر بیفتد، با حمله به مصر موافقتی نداشتند. در واقع، ونیزی‌ها به لحاظ مصالح تجارت خود بی‌میل نبودند که حمله به مصر متوقف شود (ماله و ژول ایزاک، ۱۳۶۶: ۲۳۳).

هنگامی که روابط ونیزیان با ممالیک به دشمنی گرایید، برای مدتی کوتاه، روابط بین دولت‌های دریانورد ایتالیا با ممالیک تیره شد، اما به سبب نیاز متقابلی که این دولت‌ها به هم داشتند، پس از مدتی روابط به حالت اول بازگشت؛ حتی فتوای پاپ در تحریم روابط ونیز با مصر هم نتوانست روابط مصر و ونیز را کمتر کند. ونیزیان علی‌رغم خواسته پاپ، به تجارت با مصر علاقه داشتند و روابط بازرگانی آنان تا مدت‌ها ادامه یافت (Rosamond, 2006: 16)، زیرا نیروهای تجاری در غرب اروپا میزان خسارت‌هایی را که از تحریم تجارت با مصر متوجه آنها می‌شد، درک کرده و با روش‌های مختلف خواستار آغاز مجدد فعالیت تجاری با اسکندریه و دمیاط شدند (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۵۰). بعد از اینکه روابط ونیز و مصر به دشمنی گرایید، باز روابط تجاری آنها با مصر از طریق کثرت انجام می‌شد و آنها از طریق این جزیره، کالاهای تجاری خود را به مصر صادر می‌کردند (Ashtor, 1986: 536). مقامات مصری بیشتر از ایتالیایی‌ها، برای مدت طولانی خواهان قطع روابط تجاری خویش نبودند و هر گاه که از فرط خشم، دروازه‌های اسکندریه را چند صباحی بر سفینه‌های عیسوی می‌بستند، خود نیز از این فترت زیان می‌دیدند. بنابراین، سخت‌گیری آنها هرگز بنیاد جدی نداشت (رانسیمان، ۱۳۶۰: ۴۲۷/۳)، اما روابط تجاری ونیزی‌ها با ممالیک مصر چندان دوام نیافت و به مرور زمان در قرن هفتم هجری اقدام ممالیک مصر در احتکار کالا (شبارو، ۱۳۸۰: ۱۵۸) و پرداخت

حقوق گمرکی کلان توسط تجار ایتالیایی (حدود سه برابر گران تر از قیمت واقعی برای اروپاییان) و رفتار تند ممالیک با تجار ایتالیایی که با تحمل هرگونه خواری و ذلت از روی ناچاری کالاها را شرقی را خریده به اروپا می بردند (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، ۵۷۳/۱) در توجه ونیز و جنوا به ایلیخانان بی تأثیر نبوده است. از سفرنامه‌ها چنین بر می آید که طرز رفتار و سلوک دولت‌ها با تجار، نقش مؤثری در جلب آنان به سرزمین‌ها داشته است. شاردن در سفرنامه خود در خصوص روابط ایلیخانان و ممالیک با مسیحیان و تجار فرنگی نوشته است: «ایلیخانان به مناسبت تمایل به مسیحیت با اروپاییان رفتار خوش داشتند و هرگز به بازرگانان اروپایی بدی نمی کردند. اما رفتار فرمانروایان مصر و شام و دیگر کشورهای مشرق زمین بدین سان نبود. بر آنان ستم می کردند و به عناوین مختلف جریمه شان می کردند... از اینرو سوداگران اروپایی همه همواره رو به ایران می آوردند و پس از بازگشت به وطن خود از نرم‌خویی ایلیخانان، عدم تعصبات مذهبی، امنیت راه‌ها و فراوانی نعمت‌ها داستان‌های خوب و وسوسه‌انگیز می گفتند» (شاردن، ۱۳۷۲، ۹/۱).

ایلیخانان می کوشیدند که نظر تجار ایتالیایی را به سوی خود جلب کنند و با تشویق آنها و تأمین امنیت راه‌ها، تجار دولت‌شهرهای ایتالیایی، تجارت شرق را از اسکندریه به تبریز تغییر دادند. ایلیخانان حقوق گمرکی را تخفیف داده و در حسن سلوک با تجار خارجی کوشیدند و جمیع مراکز و راه‌ها را بر ایشان مفتوح ساختند و در این زمینه سیاست اقتصادی عاقلانه‌ای را در پیش گرفتند و در نتیجه ایران بین ممالک اطراف دریای مدیترانه و سرزمین‌های مرکزی و شرقی آسیا دهلیز تجارتنی شد (اقبال آشتیانی، ۱۳۸۰، ۵۷۳/۱). به نظر می‌رسد تا زمان گیخاتو که مناسبات ایلیخانان با خوانین اردوی زرین در سرحدات شمالی ایران تیره و غیرحسنة بود، به سبب سیاست‌های خوانین اردوی زرین، تجار ایتالیایی چندان رغبتی برای برقراری مناسبات تجاری از طریق مرزهای شمالی با مراکز تجاری واقع در قلمرو ایلیخانان در ایران نداشتند. از زمانی که این مناسبات حسنة شد، اندک اندک تجار ایتالیایی عمدتاً جنوایی هم، به برخی مراکز تجاری ایران پای نهادند (رضوی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). رویدادی که وصاف نیز بدان اشاره کرده است: «در عهد گیخاتو چون نقای وارث مملکت منگوتیمور گشت به توارد رسل و تجارت مراسلات، راه تجار و ارتاقان گشاده شد» (وصاف، ۱۳۳۸: ۵۱)، اما این گفته بدین

معنی نیست که تا این موقع، مناسبات تجاری بین تجار ایتالیایی با ایلخانان وجود نداشت، زیرا خان‌های مغول حاکم بر ایران همانند خان‌های دشت قپچاق به عواید حاصل از تجارت آگاه بودند. به همین سبب از زمان هلاکو، تجار ایتالیایی در تبریز استقرار یافته (بوئل، ۱۳۸۷: ۵/۳۹۰) و به سال ۶۵۸ ق. / ۱۲۶۰ م. در زمان هلاگو، اولین شرکت تجاری را در تبریز تأسیس کرده بودند (morgan, 2000: 61)، یا آباقخان در سال ۶۷۷ ق. / ۱۲۷۹ م. با صدور فرمانی به زبان مغولی، امنیت عبور و مرور را در راهها تضمین و شرایط را برای رونق تجارت فراهم کرد (رضائی و کریمی، ۱۳۹۲: ۵۶). با این وجود، روابط تجاری ایران با ونیز و جنوا به گستردگی اولوس زرین نبود؛ امری که شاید از مناسبات تیره ایلخانان با خان‌های اولوس زرین و برتری موقعیت خوانین مغول دشت قپچاق در جلب تجار ایتالیایی و روابط بحرانی و آکنده از جنگ و جدال ایلخانان ایران با ممالیک مصر ناشی می‌شد و موجبات ناامنی را در مسیرهای تجاری آناتولی و شام و مدیترانه فراهم ساخته بود.

تجار ونیزی و جنوبی در رقابت با همدیگر در حال گسترش نفوذ خود در مراکز تجاری ایران بودند. ونیزی‌ها در راستای گسترش مناسبات با مراکز تجاری ایران، در بندر هشرخان برای خود پایگاه تجاری تشکیل داده بودند، جنوبی‌ها هم در شمال دریای خزر مستقر شده و مراکزی را برای تجارت و حمل و نقل دریایی به راه انداخته بودند. کشتی‌های ونیزی از طریق دریای خزر سالی شش یا هفت بار ابریشم و ادویه آسیا را به اروپا حمل می‌کردند و جنوبی‌ها در رقابت با آنها بودند (ثواقب، ۱۳۸۱: ۱۵۱) و این رقابت در مواردی به کوشش برای کارشکنی هم منجر می‌شد. به عنوان مثال، در زمان ارغون خان، تجار جنوبی در رقابت با ونیزی‌ها، که بیشتر جریان تجارت شرق به غرب را در دست داشتند، پیشنهادهایی به خان مغول ارائه کرده بودند، به گونه‌ای که پیشنهادهای آنان، کوشش برای کاهش نفوذ تجاری ونیزی و عایدات تجاری آنها تلقی می‌شد. در سال ۶۵۷ ق. / ۱۲۸۸ م. سنای جنوا از طریق ویلهلم آدام که بعدها اسقف اعظم کاتولیک سلطانیه شد، طرحی به ارغون خان پیشنهاد کرده بود. به موجب این طرح، مسیر تجاری هند- دریای سرخ- مصر که به نفع ونیزی‌ها بود، به مسیر هند- هرمز- اصفهان- سلطانیه- ارض روم- قسطنطنیه تغییر می‌یافت (مرکز اسناد دانشگاه

تهران - اسناد ایران و ونیز، ۱۳:۱۳۵۲؛ جوادی، ۱۳۷۸:۱۰۲). این پیشنهاد می‌توانست هم به نفع ایلخانان مغول باشد و هم به نفع جنوایی‌ها؛ زیرا از یک سو ایران به کانون این مسیر تجاری مبدل می‌شد و از دیگر سو، به عنوان مرکز نفوذ اقتصادی ونیزی‌ها، قسطنطنیه و مدیترانه به عنوان کانون حضور جنوایی‌ها، جای مصر را می‌گرفت. البته این طرح بلندپروازانه در حد پیشنهاد باقی ماند و ایلخانان هیچ‌گاه نتوانستند آن را اجرایی کنند، زیرا فاقد ناوگان دریایی لازم برای اجرای این برنامه بودند. وانگهی، در این میان در درون دولت شهر جنوا بین تصمیم‌گیرندگان آن چون جنوایی‌ها و گولف‌ها^۱ و گیبلن‌ها^۲ تنش و درگیری جریان داشت (Richard, 1952: 168-177).

اندکی بعد، در آغاز قرن هشتم هجری/ چهاردهم میلادی در تبریز و سلطانیه و برخی دیگر از بلاد ایران، گروه‌های کوچکی از بازرگانان جنوا و ونیز که قنسول‌ها در رأس آنان قرار داشتند، پیدا شدند. در سلطانیه مقر اسقف اعظم کاتولیک تأسیس شد و این مرکز تا آغاز قرن پانزدهم میلادی فعالیت داشت (پیگولوسکایا، ۱۳۵۴:۳۵۷؛ مورگان، ۱۳۷۱:۲۲۴). در این زمان، تاجری از خانواده گیزولفی^۳ به نام بوسکارلو^۴ از اهالی جنوا، مقیم ایران بود و مقامات ایرانی او را بارها به عنوان سفیر یا مأمور به اروپا اعزام کرده بودند. بوسکارلو که هم به عنوان تاجر و هم به عنوان دیپلمات در خدمت ارغون بود، تصمیم داشت در هرگز دستگاه تجاری تشکیل دهد و تجارت اروپا و ایتالیا را تحت نظر خود بگیرد، اما هدف او، به سبب مرگ ارغون و اختلاف جانشینان وی تحقق نیافت؛ بوسکارلو به افتخار حامی خود ارغون، نام پسرش را ارغون گیزولفی^۵ نهاد (مرکز اسناد دانشگاه تهران - اسناد ایران و ونیز، ۱۳۵۲:۲).

در زمان گیخاتو نیز وضعیت تجارت داخلی رونق چندانی نداشت، اما با توجه به حضور بازرگانان اروپایی در ایران می‌توان گفت که در تجارت خارجی رونق خاصی

۱. goulf

۲. giblen

۳. Ghisulfi

۴. Buscarello

۵. Argon de ghizolfi

ملاحظه می‌شد. در این زمان، مناسبات قلمرو ایلخانی و دشت قباچاق حسنه شد و تجار خارجی و عمدتاً جنوایی در این مسیر رفت و آمد می‌کردند (رضوی، ۱۳۹۰: ۲۵۰). البته با توجه به اینکه در این زمان گیلان، سرزمین ابریشم خیز ایران، مستقل از قلمرو ایلخانی بود، احتمالاً بازرگانان جنوایی مناسبات خود را با تجار و حکام محلی این منطقه برقرار می‌کرده‌اند (Bagrow, 1956: 5). گیلان که بهترین بازار ابریشم را در اختیار داشت، هنوز به تصرف کامل ایلخانان در نیامده بود و فرمانروایان این ایالت نمی‌خواستند امتعه خود را از طریق حکومت ایلخانی به بیگانگان بفروشند (جوادی، ۱۳۵۱: ۱۴۶) و مستقیماً به مبادله تجاری با تجار دولت‌شهرهای ایتالیا می‌پرداختند. به نوشته مارکوپولو، تجار جنوایی ابریشم گیلان را از طریق دن و ولگا به اروپا می‌بردند. این بازرگانان از مراکز تجاری خود در آزوف واقع در مصب رود دن بالا رفته و سپس از طریق رودخانه ولگا به دریای کاسپین می‌رسیده‌اند (پولو، ۱۳۵۰: ۳۵).

حوزه‌های تجاری در مناسبات ایلخانان با ونیز و جنوا

تبریز و آناتولی

در دوره ایلخانان تولید ابریشم در نواحی اطراف دریای کاسپین صورت می‌گرفت. گیلان و مازندران، شکی، شماخی و گنجه از مراکز مهم تولید ابریشم بود. تجار ابریشم را از گیلان و مازندران یا از قفقاز به تبریز منتقل می‌کردند و این شهر در مسیر کاروان‌های تجاری که از خراسان به غرب می‌آمد، قرار داشت. در واقع تبریز کانون ترانزیت کالاهای تجاری بود که بین غرب و شرق مبادله می‌شد. به همین سبب، تجار ایتالیایی برای مبادله با ابریشم و دیگر امتعه شرق، از اروپا پارچه و کتان می‌آوردند. جنوایی‌ها و ونیزی‌ها هر دو در تبریز کنسولگری تأسیس کردند (Koc, 2009: 30). از تبریز کاروان‌ها به دو طریق کالاهای تجاری را به سواحل دریای سیاه و یا سواحل دریای مدیترانه می‌رساندند: در ساحل جنوبی دریای سیاه، بندر طرابوزان مهم‌ترین کانون تجاری بود که تاجران مسلمان به مبادله کالا با تجار جنوایی و ونیزی می‌پرداختند. در ساحل شرقی دریای مدیترانه، بندر ایاس در ارمنستان صغیر مهم‌ترین کانون ارتباط تجاری اروپاییان با مسلمانان بود. تجار ایتالیایی از طریق این بندر خود را به تبریز

می‌رساندند و به تجارت می‌پرداختند. ونیزیان به سبب امنیت مسیر تبریز به بندر ایاس از این راه استفاده می‌کردند. مارکوپولو در خصوص رونق تجاری این بندر می‌نویسد: «شهری بزرگ و مرکز تجارت ادویه و پارچه‌های زربفت بود. این بندر محل رفت و آمد بازرگانان کشورهای مختلف از جمله ونیز و ژن است و کسانی که قصد مسافرت به طرف خاور دارند، معمولاً در مرحله اول به این بندر می‌آیند» (پولو، ۱۳۵۰: ۲۰-۱۸ / concllin,2008:79).

آناتولی یکی از مراکز مهم تجاری مرتبط با ایران در سده‌های پیش از ظهور مغولان شمرده می‌شد. با تشکیل امپراتوری مغول، این منطقه به عمده‌ترین راه تجاری شرق و غرب که همان مسیر اصلی جاده ابریشم بود، تبدیل گردید و تجار ونیزی از طریق آسیای صغیر و سوریه، ابریشم و سایر تولیدات ایران را به اروپا منتقل می‌کردند (جوادی، ۱۳۵۰: ۲۹). البته جمهوری‌های ونیز و جنوا قبل از ایلخانان به آناتولی رفت و آمد داشتند و این جمهوری‌ها پس از به قدرت رسیدن امپراتوری لاتین در استانبول در سال ۱۲۰۴ م، رفت و آمد خود را به آناتولی آغاز کردند (امامی خویی، ۱۳۸۵: ۸۴). با توجه به اینکه ایلخانان بر آسیای صغیر و بنادر تجاری آن در سواحل مدیترانه مسلط شده بودند، تجار کالاهای تجاری ایران، هند و چین را به راحتی از تبریز تا سواحل جنوبی و غربی آناتولی حمل می‌کردند؛ جایی که تجار ایتالیایی کالاهای تولیدی شرق به خصوص ابریشم ایران را در آنجا به دست می‌آوردند (احمدی دستگردی، ۱۳۸۷: ۱۳۹).

یکی دیگر از مسیرهای تجاری که در دوره ایلخانان بیشترین ارتباط تجاری را با تبریز داشت، طرابوزان بود. طرابوزان از دوران گذشته مورد توجه مسلمانان بود و بخشی از مناسبات تجاری مسلمانان و بیزانسی‌ها در عهد بنی‌عباس از طریق این بندر انجام می‌گرفت و اهمیت این بندر به حدی بود که دریای سیاه را بحر طرابوزان می‌نامیدند. در دوران ایلخانان، نقش تجاری طرابوزان اهمیت بیشتری یافت و سکونت تجار جنوایی در این بندر و رفت و آمد دیگر تجار اروپایی به این بندر نقشی مهم در رونق تجاری آن داشت (رضوی، ۱۳۹۰: ۳۲۰). راه طرابوزان از طرابوزان به ارزروم و سپس از آنجا به خوناس، ملاذگرد، ارجیش، خوی، مرند و سپس به تبریز

می‌رسید (همان، ۲۹۱) و این مهم‌ترین راه بازرگانان ایتالیایی بود (بیانی، ۱۳۸۶:۳۵۷). از سوی دیگر، تسخیر عراق به دست مغولان موجب شد که مقداری از تجارت هندوستان با مغرب از طریق خلیج فارس صورت پذیرد. کالاهای شرق از طریق عراق و شامات به دست تجار فرنگی در دمشق و حلب می‌رسید، اما بیشتر بازرگانان ترجیح می‌دادند که در قلمرو مغولان تجارت کنند و آنان از طریق دیار بکر خود را به بندر ایاس در دریای مدیترانه می‌رساندند. در این زمان، مصر هنوز بازار ثروتمند خاور دور محسوب می‌شد، اما دیگر این مسیر ارزان‌ترین راه تجارت خاور دور با اروپا نبود (رانسیمان، ۱۳۷۱: ۳/۴۳۰). بخش عمده کالاهای بین شرق و غرب از تبریز ترانزیت می‌شد و برخی از کالاها نظیر ادویه هندی از تبریز به آناتولی و یا به حلب صادر می‌شد. در این دوره، تبریز چهار راه تجاری عبور کالا از شرق به غرب و برعکس بود و کالاهایی مانند لعل، مروارید، عنبر، مشک، یاقوت و انواع جواهرات از خلیج فارس و جنوب ایران به تبریز می‌آمد (مازندرانی، ۱۹۲۵: ۱۲-۱۱). در رساله فلکیه مربوط به قرن نهم هجری به انواع کالاها مانند پارچه کمخا، قطیفه، صوف قطیفه فرنگی منقش، کمخای دمشقی، اطلس و تافته یزدی (همان، ۱۵-۱۲) در تبریز اشاره شده است که از فرنگ، هند، خلیج فارس و مناطق دیگر به قلمرو آق‌قویونلوها وارد و مشمول باج تمغا بوده است (همان، ۱۶). بخشی از کالاها از دشت قیچاق به تبریز آورده می‌شد و طبق نوشته مازندرانی، خواجه مظفر پوست‌دوز کالاهایی مانند پوست سنجاب، روباه و قاقم از دشت قیچاق به تبریز وارد کرده بود (همان). مؤلف رساله فلکیه در نیمه دوم قرن نهم هجری (۸۶۵ ق.) اطلاعات مبسوطی در خصوص تجارت تبریز و کالاهای وارده و صادره به این شهر و میزان مالیات تمغا به دست می‌دهد (مازندرانی، ۱۹۲۵: ۱۷۴). مازندرانی گزارشی از واردات انواع ابریشم چینی، خراسانی، گیلانی و قماش سمرقندی و انواع اجناس وارداتی از دشت قیچاق شامل پوست سمور، سنجاب، روباه، قاقم و اجناس چینی نظیر پارچه‌های کماخ زردوزی شده، ملونه، اطلس و مشک ارائه کرده و سپس افزوده که بر اساس قانون تجارت، از هر چهل دینار قیمت اجناس مبادله شده، یک دینار مالیات گرفته می‌شود؛ یک دوم این مالیات از فروشنده و دو سوم از خریدار (همان).

وی به اجناسی که از اروپا، سوریه، مصر و سایر بلاد ایران به تبریز وارد می‌شد، از جمله قماش فرنگ و مصر، قماش شیراز و کالاهایی از کرمان و اصفهان و انواع قماش هند و فرنگ اشاره نموده و مالیات آنها را نیز به همین میزان ذکر کرده است (همان).

سواحل دریای سیاه و دریای خزر

یکی از حوزه‌های برقراری مناسبات تجاری بین ایلخانان با تجار ونیزی و جنوایی سواحل جنوبی دریای کاسپین بود، از طریق بنادر این دریا، کالاهای تجاری مانند ابریشم به دشت قپچاق و بنادر تانا و کافا در شمال دریای سیاه ارسال می‌شد. تجار جنوایی از طریق تانا و کافا در شمال دریای سیاه و کانال‌های ولگا، خود را به دریای کاسپین می‌رساندند و از این طریق، از گیلان و مازندران ابریشم به دست می‌آوردند. آنان سالی شش تا هفت بار کشتی ابریشم ایران و ادویه هند را به اروپا صادر می‌کردند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۳). شهر سرای بر سر یکی از راه‌های عمده غرب به شرق و در کنار رود ولگا، از این دوره کم‌کم اهمیت سیاسی و بازرگانی و ترانزیتی بسیار یافت و چنان شد که هر بیگانه‌ای که از غرب راهی مغولستان می‌شد، می‌بایست در این شهر رحل اقامت می‌افکند و پس از اجازه از باتو عازم شرق می‌شد (بیانی، ۱۳۸۶: ۲۶۶). یکی از راه‌های تجاری این منطقه راهی بود که از شبه جزیره کریمه آغاز می‌شد و از طریق شمال دریای خزر تا چین ادامه می‌یافت (هال، ۱۳۸۰: ۱۲۰). تجار جنوایی انحصار تجارت در دریای سیاه را از امپراتور میخائیل پالئولوگ دریافت کرده و با بازرگانان ونیزی بر سر منافع تجاری در رقابت بودند. از نیمه قرن پیش، بازرگانان جنوا و ونیز در شبه جزیره کریمه در محلی به نام خزریه، بنگاه‌های تجاری تأسیس کرده بودند. در حدود سال ۱۲۶۶م. حکومت مغول به جنوایی‌های کافا زمینی واگذار کرد تا کنسولگری و انباری برای کالاهای خود بسازند. همین اقدام هسته مرکزی و مبدأ مستعمره بزرگ جنوایی‌ها در شبه جزیره کریمه گردید (گروسه، ۱۳۸۷: ۶۶۰). آنان کارخانه‌هایی در بنادر کریمه و کافا پدید آوردند و با شروع فعالیت‌شان از سال ۱۲۶۷م. در اردوی زرین، به یکی از طرف‌های

عمده تجاری این کشور تبدیل شدند. آنان اقلامی چون پارچه‌های فنلاندی را در بازارهای اردوی زرین به فروش می‌رساندند و مشتریان خوبی برای پوست غله و برده در این مناطق بودند. همچنین پوست‌های گران بها و غلات را در شهرهای اروپای باختری به فروش می‌رساندند و بردگان را پس از انتقال از طریق دریا و بندر قسطنطنیه به مصر می‌بردند (ساندرز، ۱۳۶۱: ۱۵۴). ونیزیان در تانا، در دهانه رود دن در آزوف امروزی مستعمره داشتند و به تجارت کالاهایی چون گندم از روسیه، ابریشم از چین و ایران و تجارت برده مشغول بودند. در هر سال حدود ۸ تا ۱۰ کاروان در ماه‌های اوت و سپتامبر به تانا می‌رسید و آنان قبل از رسیدن زمستان به قسطنطنیه بر می‌گشتند. علاوه بر این، ونیزیان مستعمره مهم دیگری در سواحل جنوبی دریای سیاه در موستراس (طرابوزان) داشتند و این منطقه تجارت سازمان یافته‌ای را بین کالاهایی که از قسطنطنیه به آسیا و یا برعکس ترانزیت می‌شد، به وجود آورده بود. کالایی که از این راه بین شرق و غرب داد و ستد می‌شد، عبارت بود از ابریشم چین و ایران، خز، پیه نهنگ، کالاهای لوکس مثل پارچه و ظروف و دیگر محصولات صنعتگری (snezhana, no date: 42). در زمان برکه، وی گذشته از توجه به اسلام، از اهمیت ارتباط با اروپا و گشودن راه‌های بازرگانی به سوی آن که سود فراوانی در پی داشت غافل نبود. در این دوران که دولت‌های جنوا و ونیز وارد معرکه سیاست و اقتصاد بین‌المللی شده بودند، فکر برکه را به خود جلب کردند و او با جنوایی‌ها رابطه بازرگانی گسترده‌ای ایجاد کرد، تا آنجا که کریمه مرکز نفوذ تجار جنوایی شد و کلنی‌های بازرگانی در این منطقه مستقر گردید. کافا^۱ مرکز فعالیت آنان در اردوی زرین بود و آنها در این شهر کنسول و کنسولگری داشتند (بیانی، ۱۳۸۶: ۲۷۱) بین ونیز و جنوا برای سلطه بر دریای سیاه رقابت و درگیری جریان داشت. جنوایی‌ها در نیمه اول قرن هفتم هجری در کافا مرکز تجاری تأسیس کردند و در تانا نیز ونیزی‌ها و هم جنوایی‌ها هیأت‌های تجاری داشتند (canbek, 1978) (42). پگولوتی تاجر فلورانسی در قرن هشتم هجری به کالاهایی که میان دشت قیپچاق و بندر تانا در شمال دریای سیاه مبادله می‌شد، اشاره کرده است: «موم،

^۱. Feodosie

آهن، قلع، فلفل، زنجبیل، ادویه، کتان، پیه، ابریشم زعفران، پوست سمور، قاقم، پوست گربه قطبی، پوست آهو، گندم و غله، خاویار، طلا و نقره و مروارید در این شهر مبادله می‌شود (pegolotti, 1936: 3-5) و می‌افزاید که ونیزی‌ها و جنوایی‌ها چهار درصد عوارض گمرکی برای ترانزیت کالا پرداخت می‌کنند (ibid, 5). جنوایی‌ها هم در رقابت با ونیزی‌ها، بیشتر در مراکز و مسیرهای تجاری شمال دریای سیاه یعنی در بنادر کافا و تانا فعالیت داشتند، اما این مسیر تجاری به سبب مناسبات غیرحسنة ایلخانان و خوانین دشت قپچاق، غالباً مسدود بود و تجارت در آن با کندی جریان داشت یا دچار وقفه می‌شد؛ بنابراین، تجار جنوایی از طریق دریای کاسپین به گیلان و مازندران می‌آمدند و ابریشم ایران را صادر می‌کردند (پولو، ۱۳۵۰، ۲۵)، زیرا برای رفت و آمد جنوایی‌ها به ایران در این مسیر مشکلاتی وجود داشت. در آن سوی منازعات سیاسی، ایلخانان و خوانین مغولی دشت قپچاق برای افزایش درآمدهای مالیاتی خود از طریق رونق تجارت، علاقه چشمگیری برای تسهیل جریان تجارت در مسیرهای شمالی حد واسط بین دریای کاسپین و دریای سیاه نشان می‌دادند. به نظر می‌رسد که علی‌رغم مناسبات حسنه بین طرفین در زمان گیخاتو، هنوز موانعی در رفت و آمد تجار باقی مانده بود. به همین سبب هم، ازبک، خان مغولی دشت قپچاق، سفیری به دربار اولجایتو برای مذاکره در باره راهکارهای رونق و گسترش تجارت در مسیر مذکور فرستاد و به واسطه مذاکرات دو جانبه، به این نتیجه رسیدند که «راه بسته گشاده شود و امتعه و اقمشه طرفین که بر هم انباشته می‌پوسند و می‌ریزند و از جانبین بدان احتیاج است به یکدیگر فرستیم و تجار... برای فواید آمد و شد نمایند» (کاشانی، ۱۳۴۸: ۱۴۶)؛ اقدامی که نتایج آن به نفع تجار جنوایی هم بود، زیرا همزمان با تمرکز فعالیت‌های تجاری ونیزی‌ها در مسیر تبریز- قسطنطنیه، جنوایی‌ها هم در شمال و در مسیر دریای کاسپین- دریای سیاه که به مراکز تجاری تانا و کافا در شبه جزیره کریمه ختم می‌شد، متمرکز بودند و از همین راه برای خرید ابریشم گیلان و انتقال آن به بنادر دریای سیاه اقدام می‌کردند (ابن فضل الله عمری، ۱۴۲۳ق: ۲۴۱/۳). ابن بطوطه به خوبی این مسیر و مراکز تجاری و تجار فعال در آن را توصیف کرده است و می‌گوید:

«شهر ازاق (تانا) بر ساحل دریا واقع شده است. جنوایی‌ها و دیگران برای تجارت به آنجا می‌آیند و کفا شهری است بزرگ که در امتداد ساحل دریا واقع شده مردم آن مسیحی و غالباً از اهل جنوا هستند (ابن بطوطه، ۱۳۷۶: ۳۹۷/۱). به نظر می‌رسد که به سبب ارزانی ابریشم گیلان در قیاس با گرانی ابریشم چین و هزینه‌های هنگفت حمل آن، تجار جنوایی علاقه‌ای ویژه نسبت به خرید و انتقال ابریشم از دریای کاسپین به مراکز تجاری دریای سیاه نشان می‌دادند (Tezcan, 2009: 168). بنابراین، از دوره الجایتو با تصرف گیلان به دست وی، تجار ونیزی و جنوایی در این مسیر با ایلخانان مناسبات تجاری برقرار کردند.

گسترش مناسبات تجاری با ونیز و جنوا

در زمان غازان خان، مصریان برای تجارت مشکلاتی به وجود آورده بودند، در نتیجه ونیزیان روابط تجاری خود را از مصر به سوی ایران تغییر دادند و به ایران بیشتر توجه کردند. در این زمان، حاکم ونیز، پیتر گراده نیگو^۱ پیامی برای پاپ بونی فاس هشتم فرستاد. در این پیام به اتحاد بین غازان و ارمنستان و گرجستان برای حمله به شامات اشاره شده بود و اینکه غازان قصد دارد به مصر حمله کند. نظر حاکم ونیز این بود که دول اروپایی از این موقعیت استفاده کنند و با غازان باب دوستی بگشایند تا نواحی متصرفی در شامات آزاد گردد. پس از پیروزی مجمع بر ممالیک در جنگ المروج، جمهوری ونیز سفیری با نامه‌ای به دربار غازان گسیل کرد (مرکز اسناد دانشگاه تهران - اسناد ایران و ونیز، ۱۳۵۲: ۱۲). مارین سانودو ترسلو^۲ در سال ۷۰۵ ق. / ۱۳۰۶ م. در کتاب خود چنین نظر داد که مصر را باید محاصره اقتصادی کرد. او همچنین در باره راه‌های ترانزیتی ایران و مصر گفت‌وگو به میان آورده و هدف کشورهای اروپایی را چنین بیان کرده است: هدف این است که کالاهایی که از هند می‌آید، از ایران بگذرد و راه‌های بازرگانی در دست مصر مسدود گردد و کالاها مستقیماً از ایران به بنادر مدیترانه حمل شود. ایران در این زمان راه‌های ترانزیتی خود را به روی بازرگانان مسیحی و اروپایی

^۱. Pietro grade nigo

^۲. marin sanudo torsello

گشوده بود؛ در حالی که مصر از عبور کالاهای تجار مسیحی ممانعت می‌کرد (همان). توصیفات پگولتی^۱ در کتاب *اوصاف ممالک مختلف*، به طور مشخص مربوط به دوران غازان است. پگولتی از میزان و مقدار مالیات‌هایی که در هر منزل از تجار می‌گرفتند، یاد کرده است: طبق گزارش او، برای هر عدل^۲ بار یک آقچه^۳ مالیات می‌گرفتند و میزان آن تا تبریز مجموعاً ۱۲۰۹ آقچه می‌شد. این رقم شامل انواع مالیات‌ها بود و یکی از آن میان "توتفاولی" نام داشت که در پست‌های معینی اخذ می‌شد، اما در عوض مأمورین خان در بهبود وضع تجار سعی بسیار می‌کردند (جوادی، ۱۳۷۸: ۱۱۱). در دوره الجایتو نیز ونیزیان فعالیت خود را در ایران گسترش دادند و سنای ونیز با فرستادن سفیری به نام توماس به ایران در سال ۷۰۵ ق. / ۱۳۰۷ م. و جلب نظر الجایتو، از تجار سرزمین خود حمایت کرد. جنواییان هم در این زمان، علاوه بر تجارت با ایران، از طریق راه‌های زمینی که از طرابوزان و ارمنستان آغاز و به ایران ختم می‌شد، فعالیت جدیدی در دریای مازندران آغاز کرده و بخشی از کالاهای تجاری و به ویژه ابریشم ایران را از این طریق به اروپا می‌بردند (همان، ۱۱۳-۱۱۲).

در زمان ابوسعید نیز تجار ونیزی بخش عمده‌ای از فعالیت‌های تجاری خود را در تبریز و سلطانیه متمرکز کرده بودند (Howorth, 1888: 631؛ جوادی، ۱۱۲؛ ویلبر، ۱۳۶۵: ۲۷). در این زمان سفیری ونیزی به نام میشل دالبینو^۴ در سال ۷۲۰ ق. / ۱۳۲۰ م. به ایران آمد و برای گسترش سهم تجاری ونیزی‌ها با ایران، قراردادهای تجاری قابل ملاحظه‌ای با ابوسعید منعقد کرد که از جمله موارد آن عبارت بود از تأسیس کنسولگری در ایران و ساختن سکونت‌گاه‌هایی برای راهبان مسیحی، اصلاح روش‌های اخذ مالیات و تأمین امنیت بیشتر مسیرهای تجاری (مرکز اسناد دانشگاه تهران - اسناد

۱. pegolotti

۲. هر عدل برابر ۱۱۰ کیلوگرم بوده است (ابوالحسن دیانت، فرهنگ تاریخی سنجش‌ها و ارزش‌ها، ج ۲، تبریز، نشر نیما، ۱۳۶۷، ص ۱۴۳).

۳. آقچه کلمه‌ای ترکی- مغولی به معنی جسم سفید کوچک، مترادف با اسپر یونانی است. آقچه از مسکوکاتی است که بیشتر در مملکت عثمانی رواج داشت، اما در زمان سلاجقه و حکومت مغول و ترکان در ایران به همین نام یا آقچه روم و نوع دیگر آن به نام آقچه کپکی معمول و متداول بوده است (همان، ج ۲، ص ۱۳).

۴. michele Dalbino

ایران و ونیز، ۱۳).

نتیجه

مغولان سرزمین‌های وسیعی را در آسیا و اروپا به باد غارت و چپاول گرفتند و تحت سلطه خود در آوردند، اما پس از تشکیل حکومت در این سرزمین‌ها، به رونق تجارت توجه کردند. ایلخانان حاکم بر ایران نیز از این امر مستثنی نبودند. آنان کوشیدند ایران را بر راه‌های تجاری که از چین آغاز و پس از عبور از ترکستان شرقی به مرزهای ایران می‌رسید، به غرب متصل کنند و از طریق تجارت در مسیر راه ابریشم سود فراوان به دست آوردند. ایلخانان برای رونق تجارت در قلمرو خود کوشیدند تا پای تجار ایتالیایی را به ایران باز کنند، هر چند در ابتدا تجار ونیزی و جنوایی کالاهای شرقی را از ممالیک مصر می‌خریدند، اما به مرور زمان دریافتند که تجارت با ایلخانان برای آنان سود بیشتری نسبت به ممالیک دارد. امنیت راه‌های ایران، تخفیف مالیاتی ایلخانان برای تجار ایتالیایی و سود سرشاری که از تجارت با ایران عاید ونیزی‌ها و جنوایی‌ها می‌شد، از جمله عواملی بود که آنان را برای تجارت با ایلخانان ایران برانگیخت تا به جای اسکندریه مصر، تبریز را به مرکز تجارتی خود برگزینند. آنان همچنین از طریق دریای کاسپین مستقیماً به سواحل جنوبی این دریا می‌آمدند و از گیلان و مازندران ابریشم می‌خریدند و از طریق دشت قپچاق و بنادر دریای سیاه به اروپا منتقل می‌کردند. بر اثر سیاست تجاری ایلخانان، از دوره غازان خان مناسبات گسترده تجاری بین ایران با تجار ونیزی و جنوایی پدید آمد و شهرهای تبریز و سلطانیه به کانون مبادله کالاهای غربی و شرقی تبدیل شد و بازارهای آن رونق چشمگیر یافت.

منابع و مأخذ

فارسی:

المازندرانی، عبدالله بن محمد بن کیا، ۱۹۲۵، رساله فلکیه، به تصحیح والتر هینتس آلمان: ویس بادن، انتشارات هیئت مستشرقین در فرهنگستان ماینس، چاپخانه فرانس اشتاینر.

احمدی دستگردی، حوری وش، ۱۳۸۷، *ترکمانان آق قویونلو*، تهران: انتشارات باز. ابن بطوطه، شمس‌الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله اللواتی الطنجی، ۱۳۷۶، *سفرنامه ابن بطوطه*، چاپ ششم، ترجمه: محمدعلی موحد، تهران: آگه.

ابن فضل‌الله عمری، شهاب‌الدین احمد بن یحیی، ۱۴۲۳ ق، *المسالك الابصار فی ممالک الامصار*، ج ۳، ابوظبی: المجمع الثقافی.

اقبال آشتیانی، عباس، ۱۳۸۰، *تاریخ مغول و اوایل ایام تیموری*، جلد اول، تهران: نشر نامک.

امامی خوبی، محمدتقی، ۱۳۸۵، *تجارت و راه‌های ارتباطی آناتولی در زمان ایلخانان*، فصلنامه شناخت، شماره ۵۲، زمستان ۱۳۸۵، صص ۹۲-۷۷.

بیانی، شیرین، ۱۳۸۶، *مغولان و حکومت ایلخانی در ایران*، چاپ پنجم، تهران: انتشارات سمت.

بویل، جی. آ، ۱۳۸۷، *"تاریخ دودمانی و سیاسی ایلخانان"* تاریخ ایران کمبریج، جلد پنجم، چاپ هفتم، ترجمه: حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.

پیگولوسکایا، ن. و دیگران، ۱۳۵۴، *تاریخ ایران از دوران باستان تا پایان سده هیجدهم میلادی*، ترجمه: کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام.

پولو، مارکو، ۱۳۵۰، *سفرنامه مارکوپولو*، مقدمه: جان ماسفیلد، ترجمه: حبیب‌اله صحیحی، تهران: انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ثواقب، جهانبخش، ۱۳۸۱، *"بریشم گیلان"*، فصلنامه شناخت، شماره ۳۴.

جوادی، حسن، ۱۳۷۸، *ایران از دیده سیاحان اروپایی از قدیم‌ترین ایام تا اوایل دوره صفویه*، تهران: نشر بوته.

انسیمان، استیون، ۱۳۶۰، *تاریخ جنگ‌های صلیبی*، جلد سوم، چاپ دوم، ترجمه:

منوچهر کاشف، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

رضوی، ابوالفضل، ۱۳۹۰، شهر، سیاست و اقتصاد در عهد ایلخانان، چاپ دوم، تهران: امیرکبیر.

دیوید، مورگان، ۱۳۷۱، مغول‌ها، ترجمه: عباس ویراستار، تهران: نشر مرکز.
ساندرز، ج. ج.، ۱۳۶۱، تاریخ فتوحات مغول، ترجمه: ابوالقاسم حالت، تهران: امیرکبیر.
شیبانی، عبدالحسین، ۱۳۴۵، تاریخ عمومی قرون وسطی، جلد دوم، تهران: اشراقی
شاردن، ژان، ۱۳۷۲، سفرنامه شاردن، جلد اول، ترجمه: اقبال یغمائی، تهران: توس
شبارو، عصام محمد، ۱۳۸۰، دولت ممالیک و نقش سیاسی و تمدنی آنان در تاریخ
اسلام، ترجمه: شهلا بختیاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
لوکاس، هنری، ۱۳۷۶، تاریخ تمدن، جلد اول، ترجمه: عبدالحسین آذرنگ، تهران:
کیهان.

لین، جرج، ۱۳۸۸، ایران در اوایل عهد ایلخانی، ترجمه: ابوالفضل رضوی، تهران:
امیرکبیر.

کاشانی، ابوالقاسم عبدالله بن محمد، ۱۳۴۸، تاریخ اولجایتو، تاریخ پادشاه سعید غیاث
الدین و الدنيا اولجایتو سلطان محمد طیب الله مرقد، به اهتمام: مهین همبلی، تهران:
بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

کریمی، علیرضا و محمد رضائی، ۱۳۹۲، روابط تجاری ایران و جنوب در دوره ایلخانان،
فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال ۲۳، شماره ۱۸، پیاپی ۱۰۸، تابستان ۱۳۹۲، صص
۶۸-۵۱.

گروسه، رنه، ۱۳۷۸، امپراتوری صحرائنوردان، ترجمه: عبدالحسین میکده، تهران:
انتشارات علمی و فرهنگی.

ماله، آلبر و ژول ایزاک، ۱۳۶۶، تاریخ قرون وسطی تا جنگ صد ساله، چاپ دوم، ترجمه:
میرزا عبدالحسین هژیر، تهران: دنیای کتاب و نشر علم.

مرکز اسناد دانشگاه تهران، ۱۳۵۲، اسناد مربوط به روابط تاریخی ایران و جمهوری ونیز،
(بایگانی اسناد شهر ونیز و کتابخانه ملی مارچانا).

ویلیبر، دونالد، ۱۳۶۵، معماری اسلامی ایران در دوره ایلخانان، چاپ دوم، ترجمه: عبدالله

فریار، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

هال، مری، ۱۳۸۰، *امپراتوری مغول*، ترجمه: نادر سعیدی، تهران: ققنوس.

وصاف الحضرة، فضل الله بن عبدالله، ۱۳۳۸، *تاریخ وصاف الحضرة*، به اهتمام: محمد مهدی

اصفهانی، تهران: کتابخانه ابن سینا و کتابخانه جعفری تبریز.

لاتین:

Bagrow.I, 1956, Italian on the Caspian, imago mundi, vol13

Canbek, Ahmet, 1978, T kfkasyanın ticaret tarihi, istanbul. Ashtor,

Howorth, Henry, 1888, History of Mongols from the 9th to 19th century, partIII, the Mongols of Persia, NewYork, franklin.

Koç ,Ömit, 2009, Ipak sanati, Istanbul: Elaziğ Yayincilik.

Morgan, David, 2000, The mongol Empire and its legacy, Brill publication, London.

Rosamond, E.Mack, 2006, Bazaar to Piazza, Islamic trade and Italian art 1300-1600, university of California press.

Pegolotti, 1936, souther Italy and Florentine economy, Pegolotti's Merchant Handbook.

snezhana, Rakova, (No Deat), Venetian in the black sea, Translation by Rakova(proofread) leed Christopher,kaisheva rad mila, encyclopedia of the Hellenic world.

Tezcan, Mehmet, 2009, Türk-Moğol hakimiyeti döneminde Karadeniz de Ticaret. Tarih İncelemeleri Dergisi. Volume XXIV. Sayı 1, 151-194.

